

Z

اصول اعتقادات مسیحی

زندگی پس از مرگ

و

وقایع آخر زمان

فهرست مطالب

عالم آینده: یکی از مهم ترین سؤال های انسان	ص ۳
زندگی پس از مرگ	
چرا انسان می میرد	۴
مرگ جسم و وجود روح	۵
وضعیت روح پس از مرگ جسم	۶
آیا برزخ وجود دارد	۸
احضار ارواح	۹
وقایع آخر زمان	۹
بازگشت عیسی مسیح	۱۰
زمان بازگشت مسیح	۱۰
چگونگی بازگشت مسیح	۱۲
رویدادهای بعد از بازگشت مسیح	
قیامت مردگان	۱۲
زمان قیامت	۱۳
داوری نهایی (روز جزا)	۱۳
علت اختلاف نظر ها	۱۴

نویسنده مجموعه مقالات: آرمان رشدی

عالم آینده یکی از مهم ترین سؤالات انسان

دنیا کی به آخر خواهد رسید؟ روز قیامت کی خواهد آمد؟ آن دنیا چگونه خواهد بود؟ بهشت و جهنم چگونه جایی خواهد بود؟ جای من کجاست، بهشت یا جهنم؟ پس از مرگ، چه اتفاقی برای انسان می افتد؟ اینها سؤال هایی است که معمولاً هر شخصی از خود می کند.

انسان همانطور که برای عالم هستی و حیات خود آغازی قائل است، پایانی نیز برای آن قائل می باشد. او در عمق وجود خود ابدیت را احساس می کند. او بگونه ای احساس می کند که مرگ پایان موجودیت او نیست. او می داند که اگر زندگی انسان فقط محدود به همین جهان مادی باشد، همه چیز برای او پوچ و کاملاً بی هدف می گردد. به همین دلیل است که انسان همواره چشم به آینده دوخته است و معنی و هدف زندگی و خصوصاً رنجها و بی عدالتی ها را در آنجا جستجو می کند، در آنسوی مرزهای این زندگی مادی. در آنجاست که نیکوکاران و آنانی که به خاطر خدا و حق و عدالت در این جهان زحمت و جفا دیده اند، به حق خود خواهند رسید. در آنجاست که تمام آنانی که سراسر عمر خود دچار قهر طبیعت بوده اند (مثلاً مانند ناقص الخلقه ها)، خواهند آسود. در آنجاست که تمام ستم دیدگان و آنانی که متحمل بی عدالتی های اجتماعی بوده اند، حق خود را خواهند یافت. و باز در آنجاست که ستمکاران سزای خود را خواهند یافت.

عالم آینده و پایان جهان، امید انسان است. اما آیا زندگی پس از مرگ واقعاً وجود دارد؟ آیا واقعاً روزی دنیا به آخر خواهد رسید؟ آیا روز قیامت و داوری واقعیت دارد؟ پیش از پاسخ به این سؤالات، این نکته کلی را باید در نظر داشت که تعالیم و توضیحات کتابمقدس دربارهٔ عالم روح و آخر زمان فقط به این منظور عطا شده که ما از وجود آنها اطمینان حاصل کنیم و به آنها امید داشته باشیم. به همین دلیل، این تعلیمات شامل همهٔ جزئیات مربوط به دنیای ارواح و عالم آینده نمی‌گردد و بر اساس آنها نمی‌توان تصویر کامل و بی‌ابهامی از آنها ترسیم کرد. اما می‌توان کلیاتی دربارهٔ آنها به دست آورد که در این مقاله خواهیم کوشید آنها را به خوانندگان گرامی ارائه دهیم.

از آنجا که موضوع روز قیامت و آخر زمان، به مسأله زندگی پس از مرگ ارتباط نزدیک دارد، نخست به بررسی موضوع حیات پس از مرگ خواهیم پرداخت، سپس مسأله پایان جهان را مورد بحث قرار خواهیم داد.

زندگی پس از مرگ

چرا انسان می‌میرد

از مضمون مندرجات کتابمقدس در کتاب پیدایش، فصل‌های دوم و سوم، چنین برداشت می‌شود که گویا مرگ سرنوشت حتمی بشر نبوده است. کتابمقدس می‌فرماید که مرگ زمانی جزو نظام زندگی انسان گردید که او علیه خدا طغیان کرد و طبیعتش دچار فساد و تباهی شد. مرگ مجازات گناه است (ر.ش. پیدایش ۲:۱۷ و ۳:۱۹؛ رومیان ۵:۱۲، ۱۷، و ۶:۲۳). مرگ برای بشر امری طبیعی نبوده، بلکه تجلی غضب و داوری الهی است و نشانی است از محکومیت انسان و لعنت او (ر.ش. مزمو ۹۰:۷ و ۱۱؛ رومیان ۱:۳۲؛ ۵:۱۶؛ غلاطیان ۳:۱۳).

اما اگر مرگ نتیجهٔ گناه است، چرا ایمانداران به مسیح که با خون او شسته شده‌اند نیز می‌میرند؟ مگر نه اینکه ایشان از گناه و عواقب آن رهایی یافته‌اند؟ چرا، اما از آنجا که تمامی طبیعت دچار فساد شده است، جسم ایمانداران نیز جزئی از این طبیعت به‌شمار

می آید و کماکان تحت حاکمیت مرگ جسمانی قرار دارد، اما روحشان رستگار شده و جسمشان نیز در روز قیامت به گونه‌ای پر جلال به زندگی باز خواهد گشت. از همین روست که پولس رسول می‌فرماید: «... تا این امید باقی بماند که روزی خود آفرینش از قید فساد آزاد گردد و در آزادی پرشکوه فرزندان خدا سهیم شود، زیرا می‌دانیم که تمامی آفرینش تا زمان حاضر از دردی مانند درد زایمان نالیده است. نه تنها خلقت، بلکه ما نیز که روح خدا را به‌عنوان اولین نمونه عطا‌یای خدا دریافت کرده‌ایم، در درون خود می‌نالیم و در انتظار آن هستیم که خدا ما را فرزندان خود بگرداند و کل بدن ما را آزاد سازد، زیرا با چنین امیدی بود که نجات یافتیم...» (رومیان ۸: ۲۰-۲۴، ترجمه مؤده).

مرگ جسم و وجود روح

کلام خدا به روشنی تعلیم می‌دهد که مرگ، پایان زندگی انسان نیست. ایوب که صبر و بردباری او ضرب‌المثل شده، فرموده: «من می‌دانم که ولی من زنده است و در ایام آخر بر زمین خواهد برخاست و بعد از آنکه این پوست من تلف شود، بدون جسم نیز خدا را خواهم دید!» (ایوب ۱۹: ۲۵ و ۲۶). ایوب هزاران سال پیش می‌دانست که پس از مرگ، بدون بدن خود نیز خدا را خواهد دید. سلیمان، آن نبی حکیم نیز انسان را پسند داده، می‌فرماید: «پس آفریننده خود را در روزهای جوانی‌ات بیاد آور، قبل از آنکه... خاک به زمین برگردد... و روح نزد خدا که آن را بخشیده بود رجوع نماید» (جامعه ۱: ۱۲ و ۷). عیسی مسیح نیز به شاگردان خود تعلیم داد که از مردمان نترسند، چون آنها قادرند فقط بدن انسان را از بین ببرند و کاری بیش از این از دستشان بر نمی‌آید. او فرمود: «از قاتلان جسم که قادر بر کشتن روح نی‌اند بیم مکنید، بلکه از او بترسید که قادر است بر هلاک کردن روح و جسم را نیز در جهنم» (متی ۱۰: ۲۸).

بلی، کتاب مقدس زندگی انسان را محدود به این دنیا نمی‌داند. انسان به غیر از بدن، دارای جنبه‌ای است که پس از مرگش نیز باقی می‌ماند و به ابدیت می‌پیوندد. کتاب مقدس این جنبه یا بُعد ابدی انسان را روح می‌نامد. اما اینکه روح چیست، کلام خدا توضیحی

درباره آن نمی دهد، قطعاً به این دلیل که مغز انسان قادر به درک آن نیست. فقط می توان دانست که روح هر چه هست، ماده نیست. بهر حال می توان یقین داشت که انسان پس از مرگ به واسطه روح خود، در ابدیت به حیات خود ادامه می دهد.

حال، این سؤال پیش می آید که کیفیت زندگی پس از مرگ چگونه است. آیا روح انسان بلافاصله به بهشت یا جهنم خواهد رفت؟ اگر روح انسان به حیات ادامه می دهد، دیگر چه نیازی هست که در روز قیامت، بار دیگر بدن انسان نیز زنده شود؟

وضعیت روح پس از مرگ جسم

در خصوص کیفیت زندگی پس از مرگ، کتاب مقدس بطور کلی تعلیم می دهد که روح انسان بعد از مرگ جسم، بلافاصله در دنیایی دیگر چشم می گشاید. عیسی مسیح به آن مجرمی که همراه او مصلوب شده و به او ایمان آورده بود، فرمود: «هر آینه به تو می گویم امروز با من در فردوس خواهی بود.» به عبارت دیگر، آن شخص به محض چشم بستن در این جهان، در عالم دیگر چشم می گشود. پولس رسول در نامه ای به مسیحیان شهر فیلیپی می فرماید: «پس نمی دانم کدام را اختیار کنم. زیرا در میان این دو سخت گرفتار هستم، چونکه خواهش دارم که رحلت کنم و با مسیح باشم، زیرا این بسیار بهتر است. لیکن در جسم ماندن برای شما لازم تر است» (فیلیپیان ۱: ۲۲-۲۴). از این آیات چنین بر می آید که روح مؤمنین پس از مرگ به مکانی می رود که در آنجا خداوند حضور دارد. همانطور که دیدیم، پولس اطمینان داشت که اگر بمیرد، با خداوند خواهد بود. آن مجرم مصلوب هم پس از مرگ، همراه عیسی به فردوس رفت.

اما روح خاطیان و خدانشناسان به کجا خواهد رفت؟ یک بار، عیسی مسیح ماجرای را تعریف کرد که بسیار آموزنده و حاوی حقایق بسیار ارزنده در این زمینه می باشد. او فرمود: «شخصی دولتمند بود که ارغوان و کتان می پوشید و هر روزه در عیاشی با جلال بسر می برد. و فقیری مقروح بود ایلعازر نام که او را بر درگاه او می گذاشتند، و آرزو می داشت که از پاره هایی که از خوان آن دولتمند می ریخت، خود را سیر کند. بلکه سگان نیز آمده زبان بر زخمهای او می مالیدند. باری آن فقیر بمرد و

فرشتگان، او را به آغوش ابراهیم بردند و آن دولتمند نیز مرد و او را دفن کردند. پس چشمان خود را در عالم اموات گشوده، خود را در عذاب یافت. و ابراهیم را از دور و ایلعازر را در آغوشش دید. آنگاه به آواز بلند گفت: "ای پدر من ابراهیم، بر من ترحم فرما و ایلعازر را بفرست تا سر انگشت خود را به آب تر ساخته، زبان مرا خنک سازد، زیرا در این نار معذبم." ابراهیم گفت: "ای فرزند به خاطر آور که تو در ایام زندگانی چیزهای نیکوی خود را یافتی و همچنین ایلعازر چیزهای بد را، لیکن او الحال در تسلی است و تو در عذاب. و علاوه بر این در میان ما و شما ورطه عظیمی است، چنانچه آنانی که می خواهند از اینجا به نزد شما عبور کنند، نمی توانند و نه نشینندگان آنجا نزد ما توانند گذشت." گفت: "ای پدر به تو التماس دارم که او را به خانه پدرم بفرستی زیرا که مرا پنج برادر است، تا ایشان را آگاه سازد، مبدا ایشان نیز به این مکان عذاب بیایند." ابراهیم وی را گفت: "موسی و انبیا را دارند، سخن ایشان را بشنوند." گفت: "نه ای پدر ما ابراهیم، لیکن اگر کسی از مردگان نزد ایشان رود، توبه خواهند کرد." وی را گفت: "هرگاه موسی و انبیا را نشنوند، اگر کسی از مردگان نیز برخیزد، هدایت نخواهند پذیرفت" (لوقا ۱۶: ۱۹-۳۱).

از این ماجرا نکات مهمی می آموزیم. نخست آنکه روح پس از مرگ، بلافاصله به عالم دیگر می رود، زیرا گفتگوی مرد ثروتمند و با ابراهیم و ایلعازر فقیر در عالم ارواح، درست پس از مرگشان صورت می گیرد، زمانی که هنوز برادران آن مرد ثروتمند در این دنیا زنده بودند. نکته دوم اینکه در آن عالم، روح انسانها طوری خواهد بود که یکدیگر را خواهند شناخت. مرد ثروتمند ایلعازر فقیر را باز شناخت. سوم آنکه روح ایمانداران و خداشناسان در آسایش و در حضور خدا خواهد بود، اما روح بدکاران و خاطیان در عذاب. نکته چهارم این است که میان مکان نیکوکاران و مکان بدکاران فاصله ای است غیر قابل پیمودن. کسی که در این جهان خدا و راه رستگاری او را رد کند، محکوم به عذاب جاودانی خواهد شد و هیچگاه نخواهد توانست در آن دنیا، مکان خود را تغییر دهد. آنکه به فردوس رفته، تا ابد در آنجا خواهد ماند و آنکه به دوزخ رفته نیز ابدیت را در آنجا بسر خواهد بود.

آیا برزخ وجود دارد

کلیسای کاتولیک معتقد به وجود برزخ می‌باشد. طبق این اعتقاد، روح کسانی که به‌هنگام مرگ به‌طور کامل پاک نشده است (یعنی در واقع روح اکثریت ایمانداران)، به محلی به‌نام برزخ می‌رود تا تطهیر گردد. طول زمان اقامت هر شخص در برزخ بستگی به وضعیت خاص او دارد؛ بعضی بر حسب نیاز بیشتر خواهند ماند و بعضی دیگر کمتر. اما این مدت زمان می‌تواند در اثر دعاها و کارهای نیک خویشان و دوستانش به‌نیابت از طرف او، کوتاهتر شود.

کلیسای کاتولیک این اعتقاد خود را بر چند آیه از کتاب مقدس استوار کرده است. مهم‌ترین آنها، فرمایش عیسی مسیح که فرمود: «هر که بر خلاف پسر انسان سخنی گوید آمرزیده شود، اما کسی که بر خلاف روح القدس گوید، در این عالم و در عالم آینده، هرگز آمرزیده نخواهد شد» (متی ۱۲:۳۲). طبق این آیه، عیسی مسیح تلویحاً اشاره می‌کند به امکان آمرزش بعضی از گناهان در «عالم آینده». همچنین به این آیات می‌توان رجوع کرد: اول قرنتیان ۳:۱۳-۱۵؛ اول پطرس ۳:۱۹ و ۲۰؛ ۴:۵ و ۶. دلیل محکم دیگری نزد کاتولیکها برای اثبات آموزه برزخ، مضمون کتاب دوم مکابیان ۱۲:۴۲-۴۵ می‌باشد. این کتاب را پروتستانها جزو کتب الهامی نمی‌پذیرند، اما نزد کاتولیکها از کتب و حیانی به‌شمار می‌رود.

پروتستانها آموزه برزخ را به کلی رد می‌کنند و معتقدند که سرنوشت ابدیت انسان را تصمیمش در این عالم رقم می‌زند، یعنی تصمیم او به توبه و ایمان به مسیح و خون او که او را از هر گناهی پاک می‌سازد؛ لذا نیازی به برزخ و تطهیر در عالم آینده نخواهد داشت.

احضار ارواح

این بود آنچه که کلام خدا بطور کلی درباره زندگی پس از مرگ بیان می‌دارد. خدا در حکمت خود صلاح ندانست که انسان بیش از این بداند زیرا انسان مادی قادر به درک اموری که مربوط به روح و غیرماده است، نمی‌باشد. اما انسان همواره کوشیده است از راههای غیر الهی به اسرار عالم ارواح دست یابد. یکی از این راهها، احضار ارواح است. کلام خدا از زمان حضرت موسی، همواره علیه این کار هشدار داده است. احضار ارواح عملی است که با کمک شیطان و ارواح پلید صورت می‌گیرد و افرادی را که به آن مبادرت می‌ورزند، به اسارت در می‌آورد. برای انسان کافی است که بداند پس از مرگ نیز زندگی به گونه‌ای دیگر ادامه دارد و باید در این دنیا خود را برای زندگی جاودانی آماده سازد.

وقایع آخر زمان

اما وقایع مربوط به آینده به همین جا ختم نمی‌شود. روزی نظام فعلی عالم هستی دگرگون خواهد شد و خدا نظام جدیدی به وجود خواهد آورد. رویدادهای مربوط به این دوره را وقایع آخر زمان می‌نامند. طبق کتابمقدس، وقایع آخر زمان را یک رشته رویدادها تشکیل می‌دهد که ذیلاً به شرح آنها خواهیم پرداخت. باز باید خاطر نشان ساخت که ترتیب وقوع این رویدادها و چگونگی آنها دقیقاً مشخص نشده و در مورد آنها میان فرقه‌های مختلف مسیحیت، اختلاف نظر وجود دارد. لذا خواهیم کوشید به ذکر کلیات بسنده کنیم و تا حد امکان نظرات مختلف را نیز عرضه نماییم.

بازگشت عیسی مسیح

مهم‌ترین رویداد آخر زمان، بازگشت عیسی مسیح است. او وعده داده که بار دیگر به این جهان بازگردد. اما زمان بازگشت او مشخص نیست. او به شاگردانش فرمود: «از آن روز و ساعت هیچکس اطلاع ندارد، حتی ملائکه آسمان، جز پدر من و بس» (متی ۲۴:۳۶). به همین جهت، او به پیروانش هشدار داده، فرمود: «پس برحذر و بیدار شده، دعا کنید زیرا نمی‌دانید که آن وقت کی می‌شود. مثل کسی که عازم سفر شده، خانه خود را واگذارد و خادمان خود را قدرت داده، هر یکی را به شغلی خاص مقرر نماید و دربان را امر فرماید که بیدار بماند. پس بیدار باشید زیرا نمی‌دانید که در چه وقت صاحب خانه می‌آید، در شام یا نصف شب یا بانگ خروس یا صبح. مبادا ناگهان آمده شما را خفته یابد. اما آنچه به شما می‌گویم، به همه می‌گویم، بیدار باشید!» (مرقس ۱۳:۳۳-۳۷).

زمان بازگشت مسیح

بعضی از فرقه‌های مسیحی بر طبق آیات فوق و سایر آیه‌های مشابه، معتقدند که بازگشت مسیح ممکن است هر لحظه رخ دهد و هیچ علامتی برای پیش‌بینی آن یا حدس در مورد نزدیک بودن آن وجود ندارد. لذا هر لحظه باید بسیار مراقب بود. بعضی دیگر از فرقه‌های مسیحی بر اساس برخی دیگر از آیات بر این عقیده‌اند که پیش از بازگشت مسیح رویدادهایی به وقوع خواهند پیوست و پس از آنها مسیح باز خواهد گشت. با اینحال، نمی‌توان دانست که پس از این وقایع، درست در چه لحظه‌ای رجعت خواهد نمود و هشدار مسیح به این امر مربوط می‌شود. این وقایع به شرح زیر می‌باشد:

- اعلام پیام انجیل به تمام ملل جهان (متی ۲۴:۱۴، مرقس ۱۳:۱۰ و رومیان ۱۱:۲۵)؛
- ایمان آوردن بسیاری از قوم یهود (رومیان ۱۱:۲۵-۲۹ و دوم قرنتیان ۳:۱۵ و ۱۶)؛

● گسترش ارتداد و بی‌ایمانی و فساد (متی ۱۲:۲۴، دوم تسالونیکیان ۳:۲، دوم تیموتاؤس ۱:۳-۷)؛

● مصائب عظیم نظیر زلزله و قحطی و جنگ (متی ۲۴:۲۱)؛

● ظهور دجال (دوم تسالونیکیان ۳:۲ و ۴)؛

● رویدادهای عجیب و خارق‌العاده در پدیده‌های طبیعت، نظیر متزلزل شدن ستارگان و تاریک شدن ماه و خورشید (متی ۲۹:۲۴ و ۳۰، مرقس ۲۴:۱۳ و ۲۵، و لوقا ۲۱:۲۵ و ۲۶)؛

● و سرانجام بازگشت مسیح.

لازم به تذکر است که همهٔ کلیساها به امور فوق معتقدند، اما از آنجا که در کتابمقدس تصریح نشده که این رویدادها با چه ترتیبی رخ خواهند داد، اختلاف نظر فقط بر سر زمان و ترتیب وقوع آنهاست.

یکی از دلایل اختلاف در مورد زمان بازگشت مسیح، بر سر مطلبی است که در فصل بیستم کتاب مکاشفه (آخرین کتاب عهدجدید) در خصوص «سلطنت هزار سالهٔ مسیح» آمده است.

● برخی از کلیساها معتقدند که مسیح به‌هنگام بازگشت خود، مسیحیان واقعی را با خود به آسمان خواهد برد. آنانی که در آن زمان زنده‌اند، در یک چشم بر هم زدن، بدنی دیگرگون یافته، در هوا روبرو خواهند شد، و آنانی که مرده‌اند، زنده شده، با بدنی جدید به استقبال مسیح به هوا خواهند رفت. طبق عقیده این دسته از کلیساها، مسیح مؤمنین را به آسمان خواهد برد و در آنجا خواهند ماند تا زمانی که مصائب عظیم و وقایع خارق‌العاده طبیعی (که در بخش «زمان بازگشت مسیح» ذکر شد) پایان پذیرند. آنگاه مسیح به‌همراه تمامی مقدسین به زمین باز خواهد گشت تا به مدت هزار سال بر روی زمین سلطنت کند. این گروه از مسیحیان را «پیش‌هزاره‌ای» می‌نامند.

اما در میان پیش‌هزاره‌ای‌ها نیز بر سر زمان وقوع «مصائب عظیم» اختلاف نظر هست. بعضی از کلیساها معتقدند که بازگشت مسیح پیش از آغاز این مصائب خواهد بود، بعضی دیگر آن را درست در وسط این مصائب می‌دانند، و برخی دیگر معتقدند که

کلیسا در تمام مدت مصائب عظیم بر روی زمین خواهد بود. کلیسای کاتولیک معتقد به شق آخر است.

دسته دیگری از کلیساها، بر این عقیده‌اند که در روزهای آخر، با اعلام پیام انجیل به جمیع ملت‌ها، بسیاری توبه کرده، ایمان خواهند آورد، و در نتیجه آن، صلح و عدالت به مدت هزار سال بر جهان حکمفرما خواهد شد. پس از این دوره که در واقع همان «سلطنت هزار ساله مسیح» بر زمین خواهد بود، مسیح از آسمان باز خواهد گشت. این دست از کلیساها را «پس هزاره‌ای» نامند. بسیاری از علما بر این اعتقادند که این نظریه چندان با تعلیم کلی کتابمقدس سازگاری ندارد.

چگونگی بازگشت مسیح

مسیح همانگونه باز خواهد گشت که به آسمان عروج نمود (کتاب اعمال ۱: ۹-۱۲). او با بدنی قابل رؤیت، بر ابرهای آسمان باز خواهد گشت، و رئیس فرشتگان و انبوه فرشتگان آسمانی و مقدسین، او را همراهی خواهند کرد (متی ۲۴: ۳۰؛ دوم تسالونیکیان ۱: ۷؛ اول تسالونیکیان ۴: ۱۶؛ و ۳: ۱۳؛ دوم تسالونیکیان ۱: ۱۰).

رویدادهای بعد از بازگشت مسیح

قیامت مردگان

کتابمقدس صریحاً تعلیم می دهد که مردگان در روز قیامت با بدن زنده خواهند شد. در این مورد آیات بسیار است که از میان آنها می توان به اینها اشاره کرد: یوحنا ۲۵:۵-۲۹؛ رومیان ۸:۱۱؛ اول قرنتیان فصل ۱۵؛ و مکاشفه ۲۰:۱۳. روح ایمانداران به بدنشان خواهد پیوست تا به جلال و شکوهی برتر داخل شوند. اما روح بی ایمانان به بدنشان ملحق خواهد شد تا روح و جسمشان به عذاب جهنم وارد شود (متی ۱۰:۲۸).

زمان قیامت

در مورد ترتیب زمانی قیامت ایمانداران و بی ایمانان باز میان کلیساها اختلاف نظر هست.

- کلیساهای پیش هزاره ای معتقدند که قیامت ایمانداران به هنگام بازگشت مسیح پیش از سلطنت هزار ساله روی خواهد داد، اما شریران بعد از سلطنت هزار ساله قیام کرده، به هلاکت جاودانی خواهند رفت. به این ترتیب، این دسته از مسیحیان اعتقاد دارند که قیامت در دو نوبت صورت خواهد پذیرفت.
- سایر کلیساها بر اساس برخی دیگر از آیات معتقدند که قیامت ایمانداران و شریران در یک زمان رخ خواهد داد (ر.ش. به یوحنا ۵:۲۷-۲۹، اعمال ۲۴:۱۵)

داوری نهایی (روز جزا)

در خصوص روز جزا یا روز داوری، کتابمقدس هیچ شکی باقی نمی گذارد. مسیح داور کل خواهد بود (متی ۲۵:۳۱ و ۳۲؛ یوحنا ۵:۲۷-۲۹ و غیره). فرشتگان نیز او را در امر داوری همراهی خواهند کرد (متی ۱۳:۴۱ و ۴۲؛ ۲۴:۳۱؛ ۲۵:۳۱). مقدسین نیز

سهمی در اجرای داوری خواهند داشت (اول قرن‌تینان ۲:۶ و ۳).

از آیات کتابمقدس کاملاً مشخص است که شریران مورد داوری قرار خواهند گرفت. اما بعضی از فرقه‌های مسیحی معتقدند که مسیحیان تحت این داوری نخواهند آمد، بلکه از آنجا که گناهان آنها بخشوده شده است، داوری آنان فقط برای تعیین میزان پاداششان صورت خواهد گرفت. اما آیاتی نظیر متی ۱۳:۳۰، ۴۰-۴۳ و دوم قرن‌تینان ۱۰:۵ ظاهراً خلاف این نظر را بیان می‌دارند.

به دنبال این داوری است که شریران وارد عذاب جهنم و مؤمنین وارد بهشت جاودان خواهند شد. بهشتی که در مسیحیت توصیف شده، محلی است که ایمانداران با خدا خواهند زیست و او را خواهند دید. این نهایت لذت و موهبت برای آنان خواهد بود. در آنجا هیچ لذت نفسانی وجود نخواهد داشت.

علت اختلاف نظرها

در خاتمه باید بار دیگر یاد آور شویم که علت اختلاف نظرهای بسیاری که در زمینه وقایع آخر زمان وجود دارد، فقط این است که تعالیم مربوط به این موضوع در محل‌های مختلف کتابمقدس به صورت پراکنده ارائه شده است. به عنوان مثال، وقتی عیسی مسیح در یک موقعیت خاص تعلیم می‌داد، اشاره‌ای نیز به موضوع آخرت کرده که فقط پاسخ آن موقعیت خاص بوده است. چنین گفتارهایی از سوی مسیح یا رسولان او، طبعاً قرار نبوده که تمامی حقایق مربوط به آخرت را در بر داشته باشد. وقتی بعدها پدران کلیسا و علمای الهیات خواستند حقایق مربوط به آخرت را بر اساس این آیات پراکنده شکل دهند، نحوه قرار دادن و مربوط ساختن این آیات، بر شکل‌گیری آموزه آخرت‌شناسی طبیعتاً اثر گذاشته است و این اختلاف نظرها را به وجود آورده است.

اما آنچه که مسلم است، این است که روزی مسیح باز خواهد گشت و مردگان و زندگان را داوری خواهد کرد. مسأله مهم این است که آیا من و شما برای ایستادن در

محضر داوری خدا آماده‌ایم یا نه. جزئیات مربوط به ترتیب وقوع وقایع در مقایسه به مهیب و هولناک بودن خود داوری، از هیچ اهمیتی برخوردار نیست.

کتاب مقدس در توصیف عظمت مکانی که خدا برای ایمانداران تدارک دیده، می‌فرماید: «اینک خیمه خدا با آدمیان است و با ایشان ساکن خواهد بود و ایشان قوم‌های او خواهند بود و خود خدا با ایشان خدای ایشان خواهد بود. و خدا هر اشکی را از چشمان ایشان پاک خواهد کرد. و بعد از آن موت نخواهد بود و ماتم و ناله و درد دیگر رو نخواهد نمود زیرا که چیزهای اول درگذشت» (مکاشفه ۲۱: ۴ و ۳).

بلی، این است آینده پر شکوه آنانی که در این جهان نفس و وجود خود را انکار می‌کنند و حاضرند به بهای چشم‌پوشی از لذات نفس، مسیح را پیروی نمایند و جامه خود را با خون عیسی مسیح پسر خدا شستشو کنند. خدا برای اینان آینده‌ای پر شکوه مهیا ساخته است.